

فقه در مذهب شیعه: ترجمه‌ای نویافته از شرایع الدین، منسوب به امام رضا علیه السلام - حسین متقی  
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه  
سال یازدهم، شماره ۴۲ «ویژه پژوهش‌های رضوی»، بهار ۱۳۹۳، ص ۱۷۵ - ۱۹۳

## فقه در مذهب شیعه: ترجمه‌ای نویافته از شرایع الدین، منسوب به امام رضا علیه السلام

ترجمه: ناشناس (سده ۸-۷)

\* به کوشش: حسین متقی \*

چکیده: این گفتار، ترجمه‌ای است کهنه، متعلق به دوره تیموریان، سده ۷ یا ۸ هجری، از رساله شرایع الدین که امام رضا علیه السلام در پاسخ به مأمون بیان فرمود. اصل رساله در منابع حدیثی شیعی آمده و ترجمه به صورت نسخه خطی در کتابخانه ملی انگلستان بوده که برای نخستین بار منتشر می‌شود. کلیدواژه‌ها: امام رضا علیه السلام، شرایع الدین، فقه شیعه امامیه، نسخ خطی، کتابخانه ملی انگلستان، تیموریان.

---

\*. پژوهشگر متون کهنه، دانشجوی دکتری مطالعات شیعی در دانشگاه ادیان و مذاهب hosseinmottaqi@gmail.com

## رساله شرایع الدين

اصل عربی این اثر، که در برخی نسخه‌ها و مصادر با عنوانین *أصول الدين*، *شرایع الإسلام*، *شرایع الدين*، *جواجم الشریعه*<sup>۳</sup> و رساله محض الاسلام<sup>۵</sup> آمده است؟ رساله مختصری در اصول دین و احکام فقهی بر مبنای فقه شیعه امامیه اثنا عشری مشتمل بر حدود چهارصد حدیث است، که حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام (ش. ۲۰۳ هـ در طوس) آن را به درخواست<sup>۷</sup> و در پاسخ به سؤالات خلیفه مأمون عباسی (د. ۲۱۸ هـ در طرسوس)<sup>۸</sup>، قلم و دواتی خواسته و این متن را نوشتند، یا بنا به نوشته برخی مصادر مأمون، وزیرش فضل بن سهل سرخسی (د. ۲۰۲ هـ در سرخس)<sup>۹</sup> را نزد امام رضا علیه السلام فرستاده و امام نیز رساله‌ای را بر فضل املاء کرده است.<sup>۱۰</sup>

### بررسی سند روایت و وثاقت اثر

فقیه و محدث کبیر، ابو جعفر محمد بن علی قمی "شیخ صدوق" (د. ۳۸۱ هـ در ری)<sup>۱۱</sup>

۱. نیشابوری کنتوری، اعجازحسین، کشف الحجب و الأstrar، صص ۴۹-۵۰؛ تهرانی، آقا بزرگ، النزیعه، ج ۲، ص ۱۹۱.

۲. تهرانی، آقا بزرگ، النزیعه، ج ۱۳، ص ۵۱.

۳. همان.

۴. ایزانلو، رمضانعلی، "گنجینه مخطوطات: پژوهشی پیرامون آثار منسوب به امام رضا علیه السلام"، در ماهنامه پژوهشی اطلاعات حکمت و معرفت، ش ۳۲ (آبان ۱۳۸۷)، ص ۵۲.

۵. سبحانی، جعفر، *أضواء على عقائد الشيعة الإمامية وتاريخهم*، ص ۴۹.

۶. بناید این اثر را با کتاب *الشرایع* (دک. تهرانی، آقا بزرگ، النزیعه، ج ۱۳، ص ۴۶) که علی بن بابویه قمی با خطاب "یا بنی" به فرزندش شیخ صدوق نوشته است، یکی دانست، همچنانکه برخی بزرگان آن را یکی دانسته‌اند (دک. روضاتی، محمدعلی، *تمکملة النزیعه*، ج ۱، ص ۴۹۸)؛ چراکه به تعبیر مرحوم آقا بزرگ تهرانی (دک. النزیعه، ج ۱۳، ص ۴۶)، کتاب *الشرایع* ابن بابویه، اثری خلاصه‌گونه از کتاب *فقه الرضا علیه السلام* یا به تعبیر مرحوم نفیه الاسلام تبریزی (دک. مرأت‌الکتب، ج ۱، ص ۳۰) و برخی دیگر عین خود *فقه الرضا علیه السلام* است.

۷. باید دانست که فضل بن شاذان نیشابوری، اشاره‌ای نکرده که امام علیه السلام آن را به خواهش مأمون تألیف فرموده است.

۸. زرکی، خیر الدین، *الاعلام*، ج ۴، ص ۱۴۲.

۹. همان، ج ۵، ص ۱۴۹.

۱۰. حرانی، حسن بن علی (ابن شعبه)، *تحف العقول*، صص ۴۳۷-۴۴۵.

۱۱. مدرس تبریزی، محمدعلی، *ریحانة الادب*، ج ۳، صص ۴۳۴-۴۳۹.

این مجموعه روایات را با نقصان، اضافات یا برخی اختلافات در فرازهای آن، با سند روایتی خود در ماه شعبان سال ۳۵۲ هـ در نیشابور از شیخ خود، عبدالواحد بن محمد بن عبدالوس عطار نیشابوری مشهور به "ابن عبدالوس" (د. پیش از ۳۵۲ هـ) شنیده و او هم از علی بن محمد بن قتبیه نیشابوری و همو نیز از فضل بن شاذان نیشابوری (د. ۲۶۰ هـ)<sup>۱</sup> روایت کرده و در باب سی و پنجم کتاب *عيون أخبار الرضا*<sup>۲</sup> تأثیف ارزنده خویش، گنجانده است. البته طبق متن نسخه حاضر و نسخه‌ای از اثر که دست اعجاز حسین نیشابوری کنتوری<sup>۳</sup> بوده، سلسله روات این اثر، به ترتیب: "أبوعلى بن"<sup>۴</sup> محمد بن حسین (الحسن) بن فضل (المفضل)، از "احمد بن علی بن حاتم"، از پدرش (علی بن حاتم)، از عبدالله حسن (الحسین) بن علی بن ابی‌الفضل (ابی‌المفضل)، از "شیخ ابوالحسن علی بن حاتم القزوینی"<sup>۵</sup>، از "علی بن جعفر شهرستانی"، از "احمد بن حمّاد" و "فضل بن سنان هاشمی"، از "محمد (بن علی) بن یقطین" و "ابراهیم بن محمد"<sup>۶</sup> محمد<sup>۷</sup> است.

درباره اعتبار حدیث و استناد آن به امام رضا<sup>علیه السلام</sup> در پایان نامه دکترای دکتر مهدی بیات مختاری مطالب مهمی آمده است، که باید بدان رجوع شود.<sup>۸</sup>

باشد افروز این رساله را سوی شیخ حسین بن محمد بن احمد بن ابراهیم بحرانی

۱. همان، ج ۸، صص ۴۱-۴۲.

۲. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، *عيون أخبار الرضا*<sup>علیه السلام</sup>، ج ۲، صص ۱۲۱-۱۲۷.

۳. نیشابوری کنتوری، اعجاز حسین، *كشف الحجب والا ستار*، صص ۴۹-۵۰ که اختلافات آن با نسخه ما، با علامت () نشان داده شده است.

۴. اعجاز حسین: - "بن".

۵. خوئی، ابوالقاسم (آیت الله)، *معجم رجال الحديث*، ج ۱۲، ص ۲۵۶.

۶. اعجاز حسین: "... عن علی بن جعفر الشہرستانی عن احمد بن حمّاد و الفضل بن سنان الهاشمی و محمد بن علی بن یقطین و ابراهیم بن محمد کلمہ رروا ان المأمون بعث إلى الامام ....".

۷. بخش‌هایی از این رساله دکتری، ضمن مقاله‌ی دکتر محسن احتمامی‌نیا با عنوان "مروری بر رساله جوامع الشریعة امام رضا<sup>علیه السلام</sup> و ارزیابی سندی و دلایلی آن" (بنگرید: سفینه شماره ۴۰) نقل شده است. (ویراستار)

عصفوری (د. ۱۲۱۶هـ)<sup>۱</sup> با نام *الانوار الضویة فی شرح الأحادیث الرضویة*<sup>۲</sup> شرح کرده است. بر این شرح تعلیقاتی نیز از سوی حفید شارح، یعنی شیخ خلف بن احمد بن محمد بن حسین عصفوری بحرانی شاخوری درازی (د. پس از ۱۳۳۸هـ)<sup>۳</sup> نوشته شده است. گفتنی است این شرح همراه تعلیقات شیخ خلف، با عنوان *الانوار الوضیة فی العقائد الرضویة* با تصحیح نواده شیخ خلف، یعنی ابواحمد بن احمد بن خلف بن احمد عصفوری بحرانی در سال ۱۴۰۶هـ منتشر گردیده است.

### درباره رساله و مترجم آن

متأسفانه از نام مترجم این اثر و زمان دقیق حیات وی اطلاعی در دست نیست؛ اما بر پایه قرائن و شواهد وی بایستی وی از رجال قرون ۸ یا ۷ هجری بوده باشد. البته احتمال ضعیف نیز می‌رود که مترجم این متن، خود کاتب بوده باشد.

این اثر، در ضمن یک مجموعه بسیار نفیس و هنری، مشتمل بر ۲۳ رساله ارزنده، به زبان فارسی آمده است؛ این نسخه خطی گرانبهای، به نام جلال الدین اسکندر بن عمر شیخ بن تیمور لنگ (حکومت: ۸۱۷-۸۱۲ محدوده فارس و سجستان)<sup>۴</sup> بین سال‌های ۸۱۳-۸۱۴هـ و به قلم ناصر الكاتب، استنساخ گردیده است. اثر به لحاظ متنی، خالی از اغلاط و اضطرابات نیست و دور نیست نسخه‌ای که کاتب در دست داشته، اندکی سقیم و ناخوانا بوده است.

این دستنویس نفیس - که چارلز ریو، بیش از یکصد سال پیش توصیفی تفصیلی از آن نسخه بدست داده است<sup>۵</sup> افرون بر تذهیبات متعدد سبک تیموری برگ‌های نخستین

۱. مدرس تبریزی، محمدعلی، *ريحانة الادب*، ج ۴، ص ۱۴۲.

۲. تهرانی، آقا بزرگ، *النریعة*، ج ۲، ص ۴۳۱ و ج ۱، ص ۵۱.

۳. همو، *طبقات أعلام الشيعة* (القرن ۱۴هـ)، ج ۲، ص ۷۰۱.

۴. زامباور، معجم الأنساب والأسرات الحاكمة في التاريخ الإسلامي، ص ۴۰۲.

۵. Rieu, Ch. *Catalogue of Persian manuscripts in British museum*, Vol. II, pp. 868-71.



نخستین و میانی اثر، دارای ۴۲ مینیاتور (نگاره) نفیس نیز متعلق به مکتب تیموری (نیمه نخست سده ۹ هـ) است. این نسخه ارزشمند، اکنون به شماره "Add.27261" در ضمن مجموعه "موزه بریتانیا"<sup>۱</sup> در کتابخانه ملی انگلستان<sup>۲</sup> در شهر لندن نگهداری می‌گردد.

باید افزود آثار منظوم و منتشر درون این مجموعه نفیس به ترتیب عبارتند از: "خمسة نظامي، الهمي نامه عطار، منطق الطير عطار، جنگ شعری از سیصد شاعر، نظام التواریخ، بخشی از شاهنامه فردوسی، قصائد در مدح پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام، تحفة الغرائب، مفاتیح الكلام فی مدایح الكرام، غزلیات، مدخل منظوم، مختصر در علم هیئت، مختصر در علم اقلیدس، رساله کبریت احمر، خفی علانی، فقه در مذهب شیعه (ترجمه حاضر مندرج در برگ‌های ۳۴۸ ب- ۴۳۵ ب)، فقه ابی حنیفه، معرفت تقویم و اسطرلاب، روضة المنجمین، فرس نامه، رساله در کیمیا از غیاث کرمانی، جام جم، سعادت نامه".

### چند نکته ضروری

۱. برخی عبارتِ مترجم یا ناسخ، در مواردی بسیار مضطرب و نارسا و نامفهوم است و نسبت به متن عربی اثر (شرايع الدين موجود)، که نسخ فراوان آن (نوعاً به روایت شیخ صدق) در دسترس می‌باشد، نسبت به برخی بخش‌ها نواقص و نسبت به برخی فرازها، اضافاتی دارد، دور نیست مترجم یا کاتب، به جهت تقیه یا دلایل دیگر، از ترجمه یا نقل بخش‌هایی از متن عربی آن طفره رفته باشد، هر چند که بودن عباراتی در تصريح به خلافتِ امیر المؤمنین علی علیه السلام این تقیه ظاهراً موردی ندارد! البته نباید این احتمال را هم از نظر دور داشت که نسخه‌ای که از متن عربی شرايع الدين در دست مترجم بوده، یا حقیقتاً ناقص بوده، یا همانطور که اشاره گردید، به جهت تقیه یا دلائل

- 
1. British museum.
  2. British Library (BL).

دیگری، بخش‌هایی از آن عمدًا در ترجمه ساقط شده، یا حتّی ممکن است اصل عربی متن فارسی ما، نسبت به نسخ مشهور آن، به لحاظ متنی به گونه دیگری بوده است، و طبیعتاً بررسی صحّت و سُقُم و کمیّت و کیفیّت این امور انتزاعی، نیازمند مقال و مجال دیگری است.

۲. برای اینکه خواننده این متن، بهره کافی و کامل را از احادیث منسوب به حضرت علیؑ ببرد، بخش‌های ناقص نسبت به متن عربی که متن را نارسا می‌نمود، در موارد نادری، با استفاده از متن ترجمه رساله شرایع‌الدین مدرج در عيون‌أخبار الرضا علیه السلام، به قلم مرحوم علی‌اکبر غفاری (د. ۱۳۸۳ش در تهران)، همچنین تکمله‌های ضروری مصحّح، با علامت [ ] درج شده شده است؛ ضمناً هنگام ناخوان بودن متن به جای کلمه سه نقطه "... نهاده‌ایم.

۳. در ترجمه حاضر، به جهت رعایت امانت، دعا‌هایی نظیر "علیله" برای پیامبر ﷺ مانند ادبیات اهل تسنن عمل شده که گویا به جهت رعایت تقیه بوده است، اما جاها‌یی که اسمی ائمه اطهار علیله، بدون ذکر دعا‌یی در متن ترجمه آمده است، دعا‌یی متناسب با آن امام همام، مانند کلیشه علیله از سوی مصحّح متن، در متن ترجمه، درج شده است.

۴. ادبیات بکار رفته در این متن اثر و نیز برخی ترکیبات فارسی این اثر، همچون: "سجود دراز گردانیدنی و شب زنده داشتندی و نیکوئی صحبت و همسایکی رعایت کردنی و رد سلام بر وجه احسن دادنی و بدین هیچ کس نکردنی و مال و زر و نیکوخوئی از مسلمانان دریغ نداشتندی" از قدمت متن با محتمل بودن زمان ترجمه بین قرون ششم تا هشتم هجری حکایت دارد، لذا به نظر می‌رسد متن فارسی این ترجمه، از نقطه نظر زبان‌شناختی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده باشد.

۵. در این نوشتار، به جهت رعایت نکات زبان‌شناختی اثر، از سبک کتابت و نگارش اثر، صیانت گردیده است و جز موارد نادر در نوع قلم کاتب و مترجم دست برده نشده

است، البته همچنانکه برخی اساتید اشاره نموده‌اند، به نظر نمی‌رسد تغییر حروفی نظیر "ج" به "چ" یا "ک" به "گ" یا "له" به "ت" چندان ضرری به ساختار زبان و کتابت متن برساند، اما با این حال، سعی گردید، بجهت صیانت و رعایت امانت، همین تغییرات جزئی نیز در متن اعمال نگردد و الله ولي التوفيق.

### فقه در مذهب شیعه

بسم الله الرحمن الرحيم، و به نستعين، الحمد لله رب العالمين و صلوته علي خير خلقه محمد و آله أجمعين؛ أمّا بعد اين كلمه چند است در شرح كلمات مرتضوي امام ابن الامام على بن موسى الرضي عليه السلام مشتمل است بر ترجمه الفاظ دربار آن حضرت و بر بعضی از دقایق که اتمام شرح آن بود و بسط و تحقیق سخن بآن شود و این اوان شروع است در مقصود بعایت خدای تعالی؛ پس بدانکه، روایت می‌کند ابوعلی بن محمد بن حسین (الحسن) بن فضل (المفضل) از احمد بن علی بن حاتم و او روایت می‌کند از پدر خود و پدر او روایت می‌کند از ابوعبدالله حسن (الحسین) بن علی بن ابیالفضل (ابیالمفضل) و او روایت می‌کند از شیخ ابوالحسن علی بن حاتم القزوینی و او روایت می‌کند از علی بن جعفر شهرستانی<sup>۱</sup> و او روایت می‌کند از احمد بن حماد و فضل بن سنان هاشمی و او روایت می‌کند از محمد (بن علی) بن یقطین<sup>۲</sup> "محمد (بن علی) بن یقطین" و "ابراهیم بن محمد"<sup>۳</sup> و این ثقات روایت می‌کنند که مأمون خلیفه، فضل ابن سهل [را] پیش امام علی ابن موسی الرضي عليه السلام فرستاد و گفت چون تویی آیت خدای بر خلق و بحر علم و معدن علم و مفترض الطاعه، می‌خواهم که اصل دین را از برای من جمع کنی و ثبت فوائد از بیان توحید و حلال و حرام و فرایض و سنن؛ چون امام عليه السلام اجابت

۱. در نسخه "شهریزانی" است.

۲. در نسخه "مقطین" است.

۳. اعجاز حسین: "... عن علي بن جعفر الشہرستانی عن احمد بن حماد و الفضل بن سنان الهاشمی و محمد بن علی بن یقطین و ابراهیم بن محمد..."

را بمقام استماع فرمود، دوات و کاغذ طلب کرد و چنین نوشت که:

### [باب التوحید]

- اولین چیزی که بر تو فریضه است آنست که بیقین بدانی و بدل و زبان گواهی دهی که خدایی هست و یکیست و روشن‌ترین دلیل بر وجود او آنست که در حال اضطرار همچنانکه در ثبت او مبتلا باشی امواج بحر محیط کلّ موج كالخيال و از بالا و زیر وحشت و ظلمت فرو گرفته باشد (وَمَن يَعْتَصِمُ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ)<sup>۱</sup> درین زمان بی اختیار دل و جان غافل و فارغ از هر دو جهان متوجه یک ذاتی و بتضرع و زاری خلاص و نجات می‌خواهی آن ذات حَقَّت و اوست که خالق خلق است و از همین جا بر روشن‌دلان دلیل توحید ظاهر گردد که یک، همی می‌خوانی، دو نباشد.

- و اعتقاد کنی که ذات حق متصف است بجمیع صفات...<sup>۲</sup> امکان که در نفس خود ممکن است آن ذات را حاصل است و منزه است از شوایب نقصان که ناقص، خدایی را نشاید، بلکه اوست عین کمال و باقی ناقصانند، مستکمل باآن کمال.

### [باب نبوت]

- و بعد از آن اعتقاد کنی که محمد ﷺ بنده و پیغمبر اوست حقاً و فاضل‌ترین انبیا و مرسیین علیهم السلام است و محبوب خدای رب العالمین است هیچ پیغمبری به رسالت بعد ازو نباشد و ملت و شریعت او تغییر و تبدیل نه پذیرد.

- سؤال: اکر کویی که می‌گویند ابرهیم خلیل‌رحمه‌للہ علیہ السلام است و کتاب‌الله باین ناطقست که (وَاتَّخَدَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا)<sup>۳</sup> می‌گویند که محمد ﷺ حبیب یزدانست این در کدام آیت از آیات قرآن است؟

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۰۱.

۲. یک کلمه خوانده نشد، شاید "ملاعنه" خوانده شود، اما در متن مذکور این عبارت، چندان مفهوم روشنی ندارد.

۳. سوره نساء، آیه ۱۲۵.



- جواب: گوییم که این معنی درین آیتست که (إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحِبِّكُمُ اللَّهُ)<sup>۱</sup> حضرت حق می‌فرماید که ای محمد ﷺ بکوی با امت که اگر می‌خواهی که محبوب خدای باشید متابعت و پیروی من کنید تا محبوب خدای کردید، چون متابعت از مرتبه محبوبی حاصل کردد بطريق اویی کروند محبوب او باشد و این جواب از امام جعفر صادق علیه السلام منقول است و پوشیده نیست که در غایت لطافت و نهایت نفاست<sup>۲</sup> است.

- و همچین اعتقاد کنی که جمیع پیغمبران سابق بر حقند و پیغمبران علیهم السلام سه طایفه‌اند: اولی‌العزم و رسول انبیا اولی‌العزم افضل‌اند؛ بعد از آن رسول، بعد از آن انبیا علیهم السلام، اگر جه در صحبت نبوت فرقی نباشد میان ایشان.

- و اعتقاد کنی بآنکه قرآن حق است از فاتحه تا خاتمه و نتواند که سخن غیر خدا باشد، علماء کامل را این مرتبه حاصل است که همچنانکه ترا شکی نتواند بود در وجود روز و روشن ایشان را شکی نباشد و آنکه این سخن از بشر نتواند بود و بتشكیک هیچ مشکلکی اعتقاد<sup>۳</sup> ایشان نگذرد و مر جند آیات قرآنی که بر مقضای "خیر الكتاب كتاب الله و خير الهدي هدي رسول الله"<sup>۴</sup> پیش خوانند، ایمان ایشان زیاده کردد، لکن عوام را درین باب تقلید باشد و از شنوده کویند که این کتاب خداست و توضیح فرق میان تحقیق و تقلید درین مثال برین سؤال بود که یکی علی الدوام عسل می‌خورد و از حلاوتش بهره‌مند می‌گردد و دیگری مدة العمر عسل نچشیده و از حلاوت آن بکام جانش نرسیده، اگر هزار بار بگوید که عسل شیرین است، ذوقی چندان ندارد.

۱. سوره آل عمران، آیه ۳۱

۲. این کلمه به وضوح "نفاست" نیست.

۳. کلمه "اعتقاد" تکرار شده است.

۴. در منابع اسلامی و شیعی دقیقاً با این عبارات حدیثی به نظر راقم نرسید، اما با همین مضامین احادیثی همچون: "إِنَّ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّهِ وَ خَيْرُ الْهُدَى هُدَى مُحَمَّدٌ وَ شَرَّ الْأُمُورُ مُحْدَثَّاً" به نقل از خود پیغمبر ﷺ نقل گردیده است (رسانیده امام طوسی، ص ۳۳۷ و بحار الانوار علامه مجلسی، ج ۷۴، ص ۱۲۲).

## [باب امامت]

۱۸۴

و اعتقاد کنی که بعد از رسول خدای ﷺ امام بر حق و مفتی مطلق، ضرغام غالب علیّ ابن ابی طالب ﷺ است که [در] علم و قوی و شجاعت و سخاوت نزدیکی نداشت؛ اوست وصیّ و ولیّ بر حقّ و اوست که در نزدیکی با محمد ﷺ همچو هارون است با موسیٰ ﷺ و شکنی نیست که در غیبتِ موسیٰ غیر هارون کسی خلافت نکرده‌است، چون علیّ هارونِ محمد ﷺ است، غیر او را خلافت نشاید و بعد از علیّ خلافت از آن حسن و حسین ﷺ است و بعد از آن علیّ ابن حسین ﷺ است و بعد از آن محمد ابن علیّ است و بعد از آن جعفر ابن محمد ﷺ است و بعد از آن موسیٰ ابن جعفر ﷺ [است]؛ این جماعت ائمهٰ اهل بیت ﷺ و رسول ﷺ اعلم و اصول و اولیٰ کلّ است، بعد از آن این ائمه‌اند، اعلم و اعدل و اولیٰ ایشانند، عروه و نقیٰ هر که چنگ در دامن ایشان زند از خاکِ مذلت بر عرش عزّت بی‌زاو نشست که ایشانند مفسّران قرآن مجید و دانایان احادیث رسول ﷺ؛ هر که با ایشان مخالفت کرد، ضالّ و مضلّ و تارک حق و هدی است؛ هر که مرد و قومی با ایشان نداشت و اسامی ایشان ندانست ...<sup>۱</sup> ایشان نکرد، همچون سگ مردار بمرد و طریق ایشان دیانت و ورع و علم و صلاح و اجتهاد و ادای امانت بودی بصالح و فاسق و سجود را دراز کردانیدندی و شب زنده داشتندی و نیکوئی صحبت و همسایگی رعایت کردندی و ردّ سلام بر وجه احسن دادندی و بدین هیچ کس نکردندی و مال و زر و نیکوخوئی از مسلمانان دریغ نداشتندی، اینست اعتقدات.

سپاه پاسدهم / شماره ۴۲ / بهار ۱۳۹۳

۱. آنت منی بمنزله هارون من موسیٰ إلا آنه لا نبیّ بعدی (ركه صحيح البخاری، حدیث ۳۵۰۳؛ صحيح مسلم، حدیث ۲۴۰۴؛ سنن الترمذی، حدیث‌های ۳۷۲۶، ۳۷۳۱، ۳۷۳۰؛ سنن ابن ماجه، حدیث‌های ۱۲۰ و ۱۲۶؛ مسنند احمد ابن حنبل، ۱/۱۷۹ و ۳/۳۳۸؛ حلیة الاولیاء، ۷/۱۹۵).  
تاریخ بغداد، ۲۰۴/۱، ۳۲۴/۱ و کنز العمال، ۱۲/۲۹۲ و ۱۲/۱۱۵۵ به بعد).

۲. دو کلمه از متن پاک شده ناخواناست.

## [باب صلوٰۃ]

- و اما اعمال؛ پس اول همه، نمازست که دوم ایمان است، نظم:

روز محشر که جان کداز بود<sup>۱</sup> اولین پرسش از نماز بود<sup>۱</sup>

و شرط نماز، طهارتست؛ امام علیؑ می فرمایند که طهارت بر آن وجه که خدای تعالیٰ  
بآن امر کرده است در کتاب مجید خود شستن روی و هر دو دست است و مسح کردن  
سر و هر دو پاست، یکبار یا دو بار و ازین زیادت نشاید و بر آن اجری نباشد و  
طهارت باطل نکردد الا به بیرون آمدن باد و بول و غایط و بخواب رفتن و جنابت؛ و  
مسح بر موزه نکشد که به آن نماز نشاید کرد؛ در روایت آمده است که امیر المؤمنین  
علیؑ مخالفت کرد با صحابه در مسح بر موزه، پس عمر کفت که من دیدم حضرت  
رسالت ﷺ را که مسح بر موزه کرد، علیؑ گفت که پیش از فرود آمدن سوره مائدہ  
بود یا بعد از آن حرکت که...<sup>۲</sup> من دانم، علیؑ فرمود که من می دانم بعد از نزول  
سوره مائدہ رسول ﷺ مسح کرد بر موزه؛ و غسل واجب کردد به جنابت و احتلام و  
حیض؛ و غسل مرده فرض کفایتست و غسل در روز جمعه و هر دو عید از برای  
دخول مکه و مدینه و غسل زیارت و احرام و از برای عرفه و اول روز رمضان و شب  
بیست و نهم و بیست و یکم و بیست سیوم سنت است؛ و نمازهای فریضه چهار رکعت  
پیشین است و چهار پسین و سه شام و چهار خفتن و دو بامداد، پس مجموع هفده  
رکعت باشد؛ و نمازهای سنت سی و پنج رکعت است، هشت رکعت پیش از فرض  
پیشین و هشت رکعت پیش از فرض پسین و چهار رکعت بعد از شام به هر دو رکعت  
نشسته گزارد بعد از نماز خفتن و هشت رکعت در سحر گزارد و بعد از آن وتر گزارد  
سه رکعت، در رکعت دوم سلام بدهد و بعد از آن اتمام رکعتی دیگر کند و بعد از وتر

۱. گویا این بین شعر از سعدی بوده باشد.

۲. متن گفتوگو اندکی نارساست و احتمال می رود مترجم در ترجمه فارسی یا کاتب در کتابت نسخه، سطری را انداخته باشد.

پیش از اذان بامداد دو رکعت بگزارد.

- و بدانکه نماز در اول وقت گزاردن افضل است و فضل نمازی که به جماعت گزارند بر نمازی که مفرد گزارند، بهر رکعتی ثواب دو هزار رکعت؛ و نماز مکزار در عقب فاسدان و اقتدا مکن الا باهل ولایت یعنی محبان خاندان [عصمت و طهارت علیهم السلام]، و جانوری که مرده باشد، در پوست او نماز مکزار، و همچنین در پوست سیع همچون سگ و گرگ و شیر نماز مکن و هر گاه که قصد مسافرتی داری که آمدن و رفتن هشت فرسخ می‌شود، نماز را قصر کن و چون قصر کردی روزه را نیز افطار کن و هر که قصر نکند نمازش ناروا بود، زیرا که بر حد فرض زیادت کرده است و همچنانست که پادشاهی بر شخصی انعام کرد و او آن انعام را بر روی پادشاه رد کرد، بس جایز نباشد به هیچ وجه.

- و قنوت در چهار نماز باشد، نماز بامداد و شام و خفتن و نماز جمعه و در همه قنوت بعد از قرائت و پیش از رکوع بود و نماز جنازه پنج تکبیر است، هر که ازین کم کند مخالف سنت کرده باشد، و در نماز جنازه سلام نباشد، زیرا که سلام در نمازیست که با رکوع و سجود بود و در نماز جنازه رکوع و سجود نیست، و مرده را هر قید از پای درآورند و مرتع گردانند قبر را نه تسینیم، و بسم الله را با فاتحه بلند باید گفت در صلوات جهریه.

### باب زکوة

از هر دویست درهم، پنج درهم زکوة باشد و ادای آن فرض است و در کمتر ازین چیزی فرض نگردد؛ بعد از آن بر چهل درهم که زیادت کردد درهمی واجب شود؛ و زکوت را ندهند الا بعد از کذشتن سال بر مال؛ و مصرف زکوة نباشد الا کسی که از اهل ولایت باشد، یعنی از محبان خاندان [عصمت و طهارت علیهم السلام] باشد؛ و واجبست اداء خمس، یعنی پنج یک جمیع مال بدهد و این یکبار بیش نباشد؛ و [در زکوة] کندم

و جو و مویز و خرما و هر چه از زمین می‌روید از حبوبات چون به [پنج] و سق برسد ده یک واجب کردد، وقتی که آبِ رود خورده باشد و اگر به دلو آب داده باشند نیمه آن واجبست بر درویش و توانکر و سق شصت صاع است و صاع چهار مد است و مدّی دو رطل است در معنی بربطل عراقی.<sup>۱</sup>

- و زکوة فطر فرض است و هر سری خرد و بزرگ و آزاد و بنده [از زن و مرد] از کنند یک صاع و از مویز یک صاع؛ و ندهندش الا باهل ولايت همچنانکه کفتیم پیش ازین.

- و حیض اقل مدتیش سه شبانه روز بوده و اکر شش ده شبانه روز و هر چه از سه شبانه روز کمتر بود یا از ده شبانه روز زیادت از آن حیض نیست، بلکه استحاضه است؛ و حایض ترک نماز کند و روزه، لکن روزه را قضا کند و نماز را نکند.

### باب صیام

روزه ماه مبارک رمضان بدارند چون ماه به بینند و روزه باید داشت در هر ماهی سه روز، چهارشنبه میان، دو پنجشنبه، پنج شنبه ده<sup>[ه]</sup> اولی، و چهارشنبه ده<sup>[ه]</sup> میانه و پنجشنبه ده<sup>[ه]</sup> آخر، و روزه داشتن ماه شعبان سنت است؛ و قضای رمضان متفرق توان داشت و روزه رجب نیز سنت است و در آن برکت است.

### باب حج

بدان که حج واجب است بر کسی که استطاعت آن دارد، قال الله تعالى: (وَلَلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَهُ)، استطاعت بآن باشد که راه امن باشد و زاد و راحله باشد، از هنگام رفتن تا بازگشتن؛ و حج جایز نیست الا بتمتع و تمتع آنست که جمع کنی بسان حج و عمره و قال الله تعالى: (الْحَجَّ وَالْعُمْرَةُ لِلَّهِ)<sup>۲</sup> و جایز نباشد در کوسیند<sup>۱</sup> که

۱. سوره آل عمران، آیه ۹۷

۲. سوره بقره، آیه ۱۹۶؛ در متن به اشتیاه به صورت "وَلَلَّهِ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةُ ثَبَتَ شَدَهُ اسْتَهْ

خسیتین او را قطع کرده باشند، لکن جایز است اگر کوفته باشند نه بریده.

### [باب جهاد]

- و جهاد واجبست با امام عادل و هر که جهت مال خود کشته شود، شهید است و همچنین هر که کشته شود از برای اهل خود شهید است و نشاید کشتن کفار و نصاری در دار امان، مکر که قتل کرده باشد یکی را، یا نفی نموده باشد و جایز نیست تصرف در اموال مخالفان و غیر ایشان و تقیه در دارتقیه واجبست و اگر کسی سوگند بخورد از برای تقیت یا بآن دفع ظلم بکند از آن حنت نباشد.

### [باب طلاق]

- و طلاق نباشد بغیر سنت بر آن وجه که خدای جل جلاله در کتاب خود ذکر فرموده است و بیش از چهار زن آزاد در نکاح نتوان داشت و چون زنرا سه طلاق دادند، حلال نکردد الا بعد از آن که دیگری او را نکاح کند، قال الله تعالى: (فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّىٰ تَنكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ).<sup>۲</sup>

### [باب درود فرستادن بر پیامبر ﷺ]

- و درود فرستادن بر رسول علیه الصلوٰة و السلام واجبست از همه ...<sup>۳</sup> چون عطسه کند صلوٰات خوش بفرستد و چون بویهای خوش بوید صلوٰات بفرستد و غیر آن.

### [باب تولی و تبری]

- و دوست دارد دوستان خدا را و دوست دار[د] آن خاندان [عصمت و طهارت علیهم السلام]<sup>۱</sup> را و دشمن نباشد؛ با دشمنان خدای و دشمنان خاندان [عصمت و طهارت علیهم السلام]<sup>۲</sup> بیزاری نماید ازیشان.

۱. در نسخه به صورت "سنک خفتن" ثبت شده است.

۲. سوره بقره، آیه ۲۳۰؛ در متن به اشتیاه به صورت "و لا يحل لكم نساؤكم من بعد ما طلقتهاهن" ثبت شده است.

۳. یک کلمه خواند نشد.

## [باب تکریم والدین]

۱۸۹

- و نیکویی کند با مادر و پدر و اگر ایشان او را بر کفر دارند، فرمانبرداری نکند<sup>۱</sup>، لکن مصاحب نماید با ایشان در دنیا بر وجه احسن؛ قال أمیر المؤمنین و ولی‌الملئین علی‌ابن‌ابی‌طالب<sup>علیه السلام</sup>: "من أطاع مخلوقاً من غير طاعة الله فقد اتّخذ إلهاً من دون الله" یعنی "هر که فرمان مخلوقی برد در فعلی که خلاف طاعة خدای باشد، پس بدرستی که او خدایی کرفته است بغير حق جل جلاله".

## [باب تذکیه و ...]

- و هر گاه که گوسفند ماده را گشته و در اندرون او بچه است، کشتن مادر، کشتن مادر کشتن آن بچه است [و] احتیاج بکشتن بچه علی حله نباشد؛ و انبیا را صغاری ذبوب باشد و بایشان بخشد بواسطه نبوت و در ...<sup>۲</sup>؛ حلال است متعه زنان و متعه حج و این هر دو متعه باش در یک مرتبه از جهت حلال؛ و در فرایض عدل نباشد و میراث نبواد با مادر و پدر الا شوهر با زن ذوالسهم احق است از آن کس که او ذوالسهم نیست و تعصّب<sup>۳</sup> در دین نباشد؛ و عقیقه باید کرد از فرزند، خواه پسر خواه دختر در روز هفتم، و سرش را بتراشند و مویش را وزن کنند با زر یا نقره آنچه دست دهد، آن را صدقه کنند، قال الله تعالی: (لَا يُكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا)<sup>۴</sup>.

۱. در نسخه "بکند" ثبت شده است.

۲. جای یک کلمه در متن پاک شده است.

۳. عقول و تصبیب (عصبه) از اختصاصات فقه اهل سنت است.

۴. سوره بقره، آیه ۲۸۶.

## [باب جبر و تفویض]

و افعال بندگان، مخلوق ایشانست، اما خلق تقدیر، نه خلق تکوین و در دین جبر<sup>۱</sup> نیست، یعنی آنکه کوئیم که بنده را هیچ اختیار نیست و تفویض نیز نیست، یعنی آنکه کوید که همه افعال، مخلوق ایشانست مطلقاً؛ زین العابدین بن حسین لیلیتلا می فرماید که: "لا يصدر عن المخلوق فعل الا بأمر الله" و از اینجاست که گفته اند کج دار و مریز؛ و بی گناه را بگناه مجرمان نکریند<sup>۲</sup> و حق جل جلاله عذاب نکند اطفال را بگناه مادر و پدر، قال الله تعالی: (أَلَا تَزِرُوا إِرْدَةً وَزْرَ أُخْرَى وَأَن لَّيْسَ لِإِنْسَانٍ إِلَّا مَا سَعَى)<sup>۳</sup> و خدای مغفرت کند و ظلم نکند و خدای تعالی فرض نکرداند بر بندگان طاعت کسی را که می داند که بریشان ظلم خواهد و ایشانرا تعذیب خواهد نکرد و خدای نگیرد<sup>۴</sup> کسی را از برای رسالت که داند که او کافر خواهد بود و شیطان را خواهد پرستید؛ و اسلام غیر ایمان است و در مؤمنی مسلم است، اما هر مسلم لازم نیست که مؤمن باشد و دزد در آن زمان که دزدی می کند، ایمان ندارد و همچنین کسی که فعل ناقص می کند، در آن زمان ایمان ندارد و همچنین هر که شرب خمر می کند، در آن زمان ایمان ندارد و اصحاب اخدود نه کافرند نه مؤمن؛ و مؤمنان بعد از دخول بجهت بیرون نه آیند؛ و شفاعت انبیا و صلحاء حق است از برای زیرستان.

## [باب نماز عید فطر]

و تکبیر در عید فطر در پنج نمازست، ابتدا کند از نماز شام شب فطر و تکبیر در عید اضحی در دو نمازست، ابتدا کند از نماز پیشین روز نحر؛ و زنی را که نفاس باشد

۱. این کلمه به صورت **گییر** ثبت شده است.

۲. در نسخه "بکریند" ثبت شده است.

۳. سوره نجم، آیه ۳۸-۳۹

۴. در نسخه "نکویند" ثبت شده است.

بیش از بیست روز<sup>۱</sup> نه نشیند.

### [باب معاد و حبّ اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup>]

- و ایمان داریم بعد از قبر و منکر و نکیر و بعثت بعد از موت و حساب و میزان و صراط و ایمان درست نبود مکر بر بیزاری از اصنام و از آن کسانی که ظلم کردند بر آل محمد<sup>علیهم السلام</sup> و میراث ایشان را کرفتند و غصب کردند خمس ایشان را و فدک را از فاطمه زهراء<sup>علیها السلام</sup> منع کردند و به بیزاری از معویه عليه ما یستحق و از عمر بن العاص و اتباع ایشان آن کسانی که حرب کردند با امام بر حق امیرالمؤمنین علی<sup>علیهم السلام</sup> و کشتند مهاجران و انصار را و اهل فضل را از تابعان؛ و بدان که ولایت و پادشاهی از آن محبان و بیعت داران امیرالمؤمنین و امام المتقین علی ابن ابی طالب هست کسانی که همچو مقداد و عمر [و بن حمق] و سلیمان ابن اسلم و جنبد ابن جنادة و عمّار ابن یاسر و سهل بن حنیف و حذیفة بن الیمان و ابوالهیثم بن السهان و خالد بن السعید و قتادة ابن الصامت و ابوایوب الانصاري، دوست دار امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب<sup>علیهم السلام</sup> اند.

### [باب مناهی و محارم]

- و خمر را حرام باید داشت اندک و بسیار، و هر مسکر حرام است و هر چه حرام است اندک و بسیار او حرام است و هر جانور که ناب دارد یعنی دندان پیش، حرام است و هر مرغ که مخلب دارد حرام است و طحال حرام است، زیرا که او خون بسته است و ماهی طافی و مارماهی حرام است؛ اجتناب از محارم باید کرد و از قتل نفس بی جهت شرعی و سرقه و شرب خمر و عقوق والدین و فرار از زحف و اکل اموال ایتمام بظلم و اکل میته و دم و لحم خنزیر (ومَا أَهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ)، اینها حرام اند و بی ضرورتی که

۱. در نسخه شرایع الدین درج شده در ضمن عيون أخبار الرضا<sup>علیهم السلام</sup>، "نو زده روز" نیت شده است.

۲. سوره مائدہ، آیه ۳.

ملجی بود نشاید خوردن اینها و اکل ربا و سُحت نشاید و مکیال و میزان راست باید داشت و قذف محضنات مؤمنات عاقلات و لواطه و گواهی دروغ و یأس و نومیدی از رحمت خدای تعالی و اعانه ظالمان و یمین غموس و حبس<sup>۱</sup> حقوق و مکر و کبر و اسراف و تبذیر و خیانت و کتمان شهادت و ملاهي که مانع باشند از ذکر خدای، ریا نه دارند از نماز و ضرب اوتار و اصرار بر صغاير، اينها همه حرام است از همه دور باید بود؛ والسلام علي من اتبع الهدي. ايست ختم ترجمه الفاظ متبركه مرتضوي امام ابن الامام [علي بن موسى الرضي] عليهما السلام؛ [بعون الله تعالى و حسن توفيقه و الصلة علي نبيه و آله الطاهرين، كتبه تراب أقدام الفقراء و المساكين ناصر الكاتب، أحسن الله عواقبه في سلخ جميدي الثاني سنة أربع عشر و ثمانمائه].<sup>۲</sup>

۱. در نسخه "نفس" ثبت شده است.

۲. ترقيمه کاتب، از انجامه ابن مجتمعه نفسیس (برگ ۵۴۲ ب) افزوده شد.



۱۹۳

## كتابنامه

۱. ابن بابویه (صدق)، محمد بن علی، *عيون اخبار الرضا علیهم السلام*، به کوشش حسین اعلمی، بیروت، موسسه الاعلمی، جلد دوم، ۱۴۰۴ق.
  ۲. ایزانلو، رمضانعلی، *گنجینه مخطوطات: پژوهشی پیرامون آثار منسوب به امام رضا علیهم السلام*، در ماهنامه پژوهشی اطلاعات حکمت و معرفت، ش ۳۲ (آبان ۱۳۸۷).
  ۳. تبریزی، علی بن موسی (ثقة الاسلام)، *مرآت الكتب*، جلد ۶، تحقیق علی صدرایی، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی (ره)، ۱۳۸۹ش.
  ۴. تهرانی، آقا بزرگ، *التریغة*، جلد ۲، چاپ دوم، تهران، مکتبه طهوری، ۱۳۹۱ق.
  ۵. همان، جلد ۳، نجف الاشرف، مطبعة القضاة، ۱۳۷۸ق.
  ۶. همو، *طبقات اعلام الشیعیة (القرن ۱۴هـ)*، جلد ۲، چاپ دوم، مشهد، دارالمرتضی، ۱۴۰۴ق.
  ۷. حرانی (ابن شعبه)، حسن بن علی بن حسین، *تحف العقول*، با تصحیح و ترجمه علی اکبر غفاری، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۲ش.
  ۸. خویی، ابوالقاسم (آیت الله)، *معجم رجال الحديث*، جلد ۱۲، چاپ پنجم (منبع و مزید)، نجف اشرف، ۱۴۱۳ق.
  ۹. زامباور، *معجم الأنساب والأسرات الحاكمة في التاريخ الإسلامي*، جلد ۲، ترجمه ذکری محمدحسن بک و دیگران، قاهره، دارالكتب القومية، ۱۴۲۹ق.
  ۱۰. زرکلی، خیرالدین، *الاعلام*، جلد های ۴ و ۵، چاپ شانزدهم، بیروت، دارالعلم للملائين، ۲۰۰۵ق.
  ۱۱. سبحانی، جعفر، *أضواء على عقائد الشيعة الإمامية وتاريخهم*، تهران، مشعر، ۱۳۷۹ش.
  ۱۲. طوسی، محمد بن حسن (شیخ الطائف)، *أمالی الشیخ الطوسی*، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
  ۱۳. عارف، محمدصادق، *بررسی تألیفات و نگارش‌های امام رضا علیهم السلام*، در نشریه گلستان قرآن، ش ۱۹۳ (نیمه آذر ۱۳۸۳).
  ۱۴. فضل الله، محمدجواد، *تحلیلی از زندگانی امام رضا علیهم السلام*، ترجمه سید محمد صادق عارف، چاپ دوم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی ۱۳۸۵ش.
  ۱۵. مجلسی، محمدباقر (علامه)، *بحار الانوار*، جلد ۷، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
  ۱۶. مدرس تبریزی، محمدعلی، *ویحانة الادب*، جلد های ۳، ۴ و ۸، چاپ چهارم، تبریز، خیام، ۱۳۷۴ش.
  ۱۷. نیشابوری کنتوری، اعجازحسین، *كشف الحجب والأستار*، چاپ دوم، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی (ره)، ۱۴۰۹ق.
- 1.Rieu, Ch. *Catalogue of Persian manuscripts in British museum*, Vol. II, London, 1881.